

اثر مدیریت جنگل بر خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک در جنگل خلیل محله - بهشهر

شهره کاظمی*^۱، سید محمد حجتی^۲، اصغر فلاح^۲ و محیا تفضلی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران.

۲- دانشیار، گروه جنگلداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران.

۳- دانشجوی دکتری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۰

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی اثر مدیریت جنگل بر خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک در پارسل-های ۱۰ (شاهد) و ۱۲ (مدیریت شده) سری یک طرح جنگلداری خلیل محله واقع در بهشهر انجام شد. برای نمونه برداری، ۲۰ قطعه نمونه ۱۰ آری دایره ای شکل به صورت تصادفی - منظم با ابعاد شبکه ۷۵×۱۰۰ متر در هر دو پارسل پیاده شد. در هر قطعه نمونه تعداد پنج ریزقطعه نمونه (با مساحت یک متر مربع)، یکی از آن‌ها در مرکز و چهار ریزقطعه نمونه دیگر در چهار جهت اصلی پیاده شدند. در هر ریزقطعه نمونه پس از آمیختن نمونه‌ها با هم یک نمونه در هر عمق ۱۰-۱۰ و ۲۰-۱۰ سانتی متر برای قطعه نمونه مورد نظر تهیه شد. نتایج نشان داد مشخصه‌های درصد رطوبت (مدیریت شده: ۶۹/۵۸، شاهد: ۳۹/۷۴ درصد)، pH (مدیریت شده: ۶/۴۷، شاهد: ۵/۵۹)، EC (مدیریت شده: ۶۳۰/۷۳، شاهد: ۳۹۱/۶۷ میکروزیمنس بر سانتی - متر)، مواد آلی (مدیریت شده: ۱۱/۸۱، شاهد: ۱۰/۹۸ درصد)، نیتروژن (مدیریت شده: ۰/۶۲، شاهد: ۰/۳ درصد)، فسفر (مدیریت شده: ۱۹، شاهد: ۷/۰۷ قسمت در میلیون) و پتاسیم (مدیریت شده: ۳۳۱، شاهد: ۱۸۳ قسمت در میلیون) بین دو قطعه مورد بررسی تفاوت معنی دار داشتند. به طور کلی نتایج این تحقیق مؤید اثر معنی دار مدیریت جنگل به شیوه تک‌گزینی روی خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک است.

واژه‌های کلیدی: خصوصیات خاک، شیوه تک‌گزینی، قطعه شاهد، قطعه مدیریت شده.

مقدمه

خاک در تولید زی توده گیاهی، چرخه عناصر، ذخیره کربن و تبدیل انرژی در اکوسیستم های جنگلی توصیف می شود (Kooch *et al.*, 2008). برای ارزیابی حاصلخیزی رویشگاه و طبقه بندی آن، اطلاع از خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک ضروری است (Schoenholtz *et al.*, 2000). Makineci و همکاران (2007) به این نتیجه رسیدند که در مسیرهای چوبکشی در مقایسه با مناطق شاهد افزایش جرم حجمی ظاهری و ضریب تعادل رطوبتی معنی دار بود. Augusto و همکاران (2002) در پژوهش های خود تحت عنوان تأثیر نوع و ترکیب گونه های موجود در اشکوب فوقانی جنگل با توجه به اقلیم و مدیریت جنگل بر ویژگی های خاک منطقه در اروپا به این نتیجه رسیدند که نوع گونه بر نرخ معدنی شدن مواد آلی و فرایند نیتریفیکیشن اثر داشته و گونه های سوزنی برگ با تغییراتی که در ورود و خروج یون های کلسیم و منیزیم به وجود می آورند، موجب اسیدی شدن خاک می شوند. Demir و همکاران (2007) به بررسی اثرهای بهره برداری بر پوشش علفی، لاشبرگ و خواص خاک سطحی در یک توده بلوط در ترکیه پرداختند و به این نتیجه رسیدند پوشش گیاهی و لاشبرگ در مسیرهای چوبکشی به طور معنی داری کاهش یافته و در مسیرهای چوبکشی جرم حجمی ظاهری و ضریب تعادل رطوبتی افزایش یافته است. Zangane (2013) به بررسی برخی از ویژگی های بوم-شناختی و جنگل شناسی در توده های بهره برداری نشده و بهره برداری شده پرداخت و این پژوهش نشان داد که ویژگی های فیزیکی و شیمیایی خاک در دو توده مدیریت شده و شاهد با یکدیگر اختلاف معنی داری دارد. Salehi (2011) نیز در بررسی خود با عنوان بررسی مقایسه ویژگی های فیزیکی و شیمیایی خاک و خصوصیات کمی درختان در جنگل های کمتر تخریب

با افزایش روزافزون جمعیت، پیشرفت علم و توسعه تکنولوژی، تأثیر تخریب انسان روی طبیعت بیشتر شده و سیمای طبیعت روزبه روز حالت طبیعی و اولیه خود را از دست می دهد (Zanganeh, 2013). جنگل های ایران به ویژه جنگل های صنعتی شمال که نقش تولید چوب آن ها در بین دیگر جنگل های ایران قابل توجه است، نیز تحت تأثیر فعالیت های زیان آور انسان قرار گرفته است (Porbabaee, 1998). امروزه عواملی نظیر برنامه ریزی نادرست و اجرای ناصحیح طرح های جنگلداری در کنار دیگر عوامل موجبات تخریب جنگل ها را فراهم آورده است. این موضوع را می توان از طریق بررسی و کنترل همه جانبه و به موقع عملکرد و نتایج طرح ها در مقایسه با وضعیت پیشین آن و برنامه ریزی های انجام شده پیگیری کرد (Anissi *et al.*, 2010).

بر اساس تحقیقات انجام شده، اجرای شیوه های مختلف مدیریت در جنگل، اثرهای متعددی بر روی بوم سازگان جنگل داشته است (Opdam *et al.*, 2002). از مهم ترین آن ها می توان به تأثیر بر خصوصیات خاک اشاره کرد. خاک ها به عنوان بخش مهمی از اکوسیستم ها شناخته شده اند و نقش مهمی در توسعه پوشش گیاهی جنگلی دارند (Kooch, 2007). توسعه و تحول خاک و پوشش گیاهی وابسته به آن، فرآیند پیچیده ای است که نتیجه آن تغییر و تفاوت در خصوصیات خاک است، به طوری که ترکیب پوشش گیاهی جنگل و میزان رشد آن را تحت تأثیر قرار می دهد (Crowley *et al.*, 2003). به تازگی نیاز به ارزیابی کیفیت خاک (خصوصیات فیزیکی و شیمیایی) توسعه یافته است و آن هم به واسطه بحث های مدیریتی در زمینه پایداری عملکرد اکوسیستم های جنگلی بوده است. کیفیت خاک معیاری است که بر حسب توانایی

میلی متر است. تیپ غالب جنگل، راش-ممرز به همراه درختان انجیلی، کلهو و توسکا است و درختان در کلاسه سنی مسن، میانسال و جوان قرار دارند و جنگل دو تا سه آشکوبه است (Anonymous, 2008).

نمونه برداری و تجزیه خاک

نمونه‌های خاک در تابستان سال ۱۳۹۱ تهیه شدند. برای نمونه برداری، ۳۰ قطعه نمونه ۱۰ آری، دایره‌ای شکل با ابعاد شبکه ۷۵×۱۰۰ متر به صورت تصادفی-منظم در هر دو پارسل پیاده شد. در هر قطعه نمونه به منظور تهیه نمونه خاک برای بررسی خصوصیات فیزیکی، در مرکز هر قطعه نمونه در دو عمق ۱۰-۰ و ۲۰-۱۰ سانتی متر نمونه دست نخورده با استفاده از استوانه فلزی تهیه شد و همچنین برای بررسی خصوصیات شیمیایی خاک نیز در چهار جهت اصلی در هر دو عمق ذکر شده نمونه تهیه شد و پس از آمیختن نمونه‌ها با هم یک نمونه برای هر عمق برای قطعه نمونه مورد نظر تهیه شد. نمونه‌های خاک نیز در فضای باز پنخش و پس از خشک شدن، خاک حاصله خرد و از الک دو میلی متری عبور داده شد. درصد رطوبت به روش توزین و خشک کردن، بافت خاک (درصد اجزا تشکیل دهنده خاک) با روش هیدرومتری، وزن مخصوص ظاهری به روش کلوخه، اسیدیته خاک با استفاده از دستگاه pH متر، هدایت الکتریکی پس از عصاره گیری با استفاده از دستگاه EC متر، نیتروژن با روش کج‌لدال با استفاده از دستگاه کجل تک، پتاسیم و فسفر قابل جذب با استفاده از دستگاه اسپکتروفوتومتر، کربن آلی به روش والکلی بلاک اندازه گیری شد (Ghazanshahi, 2006).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های خاک از نرم افزار SPSS (نسخه ۲۰) و EXCEL (نسخه ۲۰۰۷) استفاده شد. برای مقایسه خصوصیات فیزیکی و شیمیایی

یافته و تخریب نیافته حوضه‌ی ناو اسالم نشان داد که تفاوت معنی داری از نظر خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک و مشخصه‌های کمی درختان در بین دو جنگل وجود دارد. نتایج همبستگی بین خصوصیات خاک و مشخصه‌های کمی درختان نشان داد که در منطقه کمتر تخریب یافته، درصد تاج پوشش، قطر برابرسینه و ارتفاع درختان با کربن آلی، فسفر و نیتروژن همبستگی مثبت و با نسبت C/N و جرم مخصوص ظاهری همبستگی منفی دارد. این تحقیق با هدف بررسی اثر مدیریت جنگل به شیوه تک‌گزینی در دو دهه گذشته روی خصوصیات شیمیایی و فیزیکی خاک در توده راش-ممرز در سری یک طرح جنگلداری خلیل محله واقع در بهشهر انجام شد تا تأثیر روش جنگلداری نزدیک به طبیعت با شیوه جنگلشناسی تک‌گزینی بر ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی خاک مورد ارزیابی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد بررسی

به منظور انجام این پژوهش، پارسل‌های ۱۰ (شاهد) و ۱۲ (مدیریت شده) سری یک طرح جنگلداری خلیل محله-عباس آباد (بهشهر) انتخاب شدند. جنگل مورد بررسی در طول جغرافیایی ۱۶' ۴۵" ۵۳° و عرض جغرافیایی ۴۵' ۴۲" ۳۶° شرقی با متوسط ارتفاع ۸۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد. قطعات مورد بررسی از نظر شرایط رویشگاهی و ساختار پوشش گیاهی مشابه‌اند. شیب عمومی در هر دو قطعه ۳۰ درصد و جهت غالب، شمالی است. قطعه مدیریت شده از سال ۱۳۷۲ به روش تک‌گزینی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. سنگ مادری از نوع آهکی، آهکی دولومیتی و نوع خاک قهوه‌ای شسته شده با افق کلسیک است. متوسط بارندگی سالیانه در قطعه ۶۷۹/۲

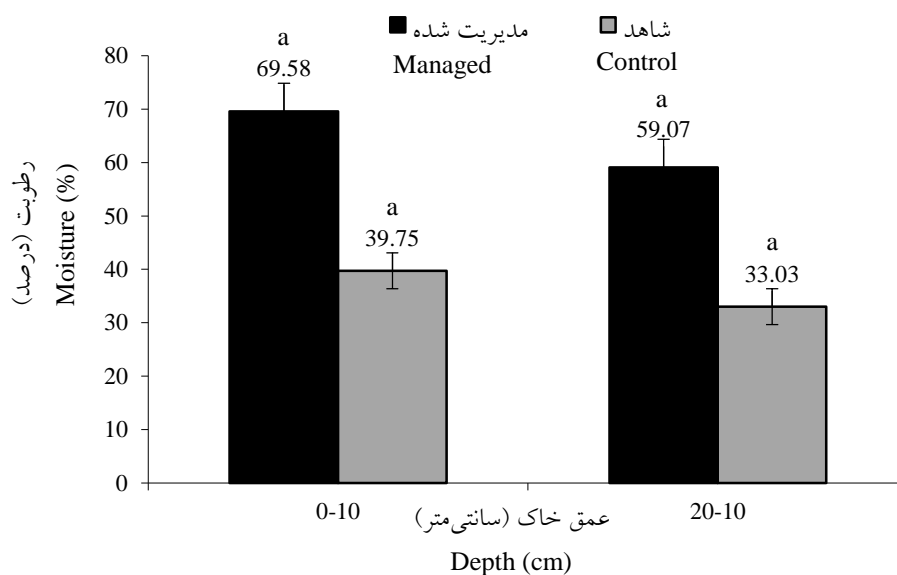
خاک در عمق ۰-۱۰ سانتی متر بین دو قطعه شاهد (۱/۶۰ گرم بر سانتی متر مربع) و مدیریت شده (۱/۸۴ گرم بر سانتی متر مربع) تفاوت معنی داری مشاهده نشد (شکل ۲). همچنین درصد شن خاک در عمق ۰-۱۰ سانتی متر در قطعه شاهد (۴۷/۸۳ درصد) به طور معنی داری کمتر از قطعه مدیریت شده (۷۶/۴۴ درصد) بود. درصد سیلت و رس در عمق ۰-۱۰ سانتی متر در قطعه شاهد (به ترتیب ۳۲/۳۸ و ۱۹/۷۷ درصد) به طور معنی داری بیشتر از قطعه مدیریت شده (به ترتیب ۱۴/۷۳ و ۸/۸۱ درصد) بود (شکل ۳).

خاک در عمق ۰-۱۰ و ۱۰-۲۰ سانتی متر در دو منطقه از آزمون t مستقل (Independent Sample T-Test) و برای مقایسه بین دو عمق ۰-۱۰ و ۱۰-۲۰ سانتی متر در هر منطقه از آزمون t جفتی (Paired Sample T-Test) استفاده شد.

نتایج

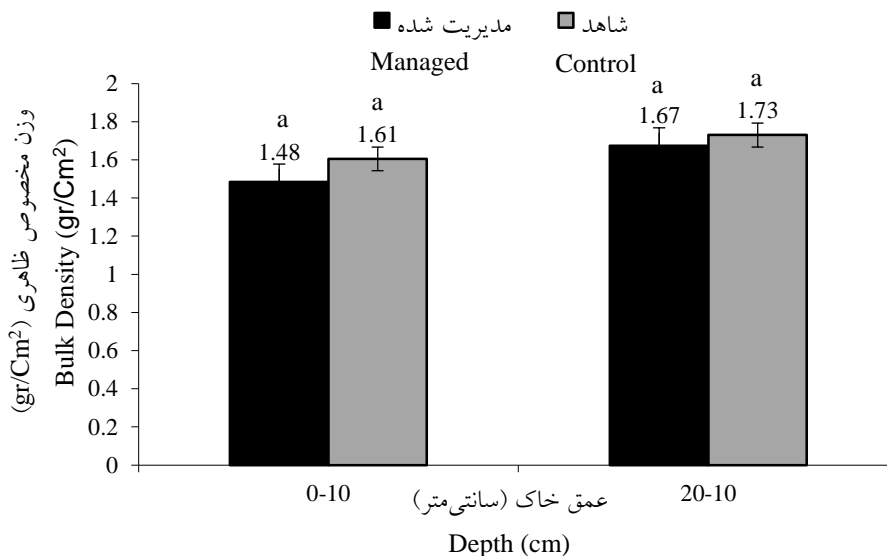
بررسی خصوصیات فیزیکی خاک

نتایج نشان داد که درصد رطوبت خاک در عمق ۰-۱۰ سانتی متر در قطعه شاهد (۳۹/۷۴ درصد) به طور معنی داری کمتر از قطعه مدیریت شده (۶۹/۵ درصد) بود (شکل ۱). در ارتباط با مشخصه جرم حجمی ظاهری



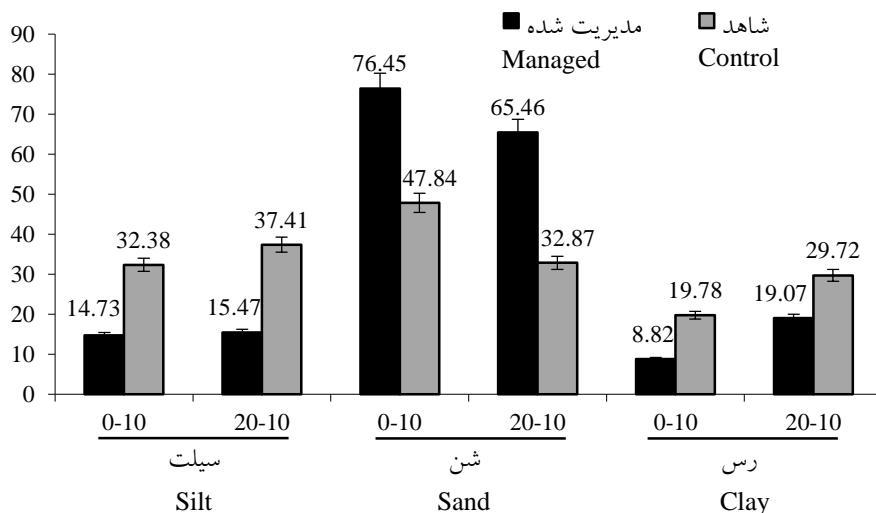
شکل ۱- میانگین درصد رطوبت در قطعات ۱۰ و ۱۲ (شاهد و مدیریت شده) برای دو عمق ۰-۱۰ و ۱۰-۲۰ سانتی متر (بارها نشان دهنده اشتباه معیار است) در سری یک طرح جنگلداری خلیل محله

Figure 1. Mean moisture content in parcel No.10 and 12 (control and managed) at 0-10 and 10-20 cm depths (bars show the standard error) in district 1, KhalilMahale forestry project



شکل ۲ - میانگین وزن مخصوص ظاهری در قطعات ۱۰ و ۱۲ (شاهد و مدیریت شده) در دو عمق ۰-۱۰ و ۱۰-۲۰ سانتی متر (بارها نشان دهنده اشتباه معیار است) در سری یک طرح جنگلداری خلیل محله

Figure 2. Mean bulk density in parcels No.10 and 12 (control and managed) at 0-10 and 10-20 cm depths (bars show the standard error) in district 1, KhalilMahale forestry project.



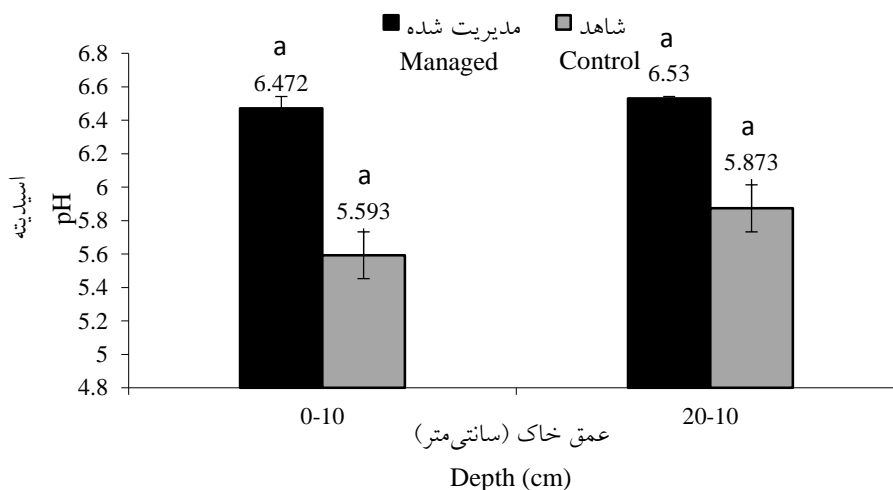
شکل ۳ - میانگین درصد رس، شن و سیلت در قطعات ۱۰ و ۱۲ (شاهد و مدیریت شده) در دو عمق ۰-۱۰ و ۱۰-۲۰ سانتی متر (بارها نشان دهنده اشتباه معیار است) در سری یک طرح جنگلداری خلیل محله

Figure 3. Mean percentage of clay, sand and silt in parcels No.10 and 12 (control and managed) at 0-10 and 10-20 cm depths bars show the (standard error) in district 1, KhalilMahale forestry project.

نتایج مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که مشخصه هدایت الکتریکی خاک با افزایش عمق در هر دو قطعه شاهد و مدیریت شده به صورت معنی داری کاهش می‌یابد (شکل ۴ و ۵).

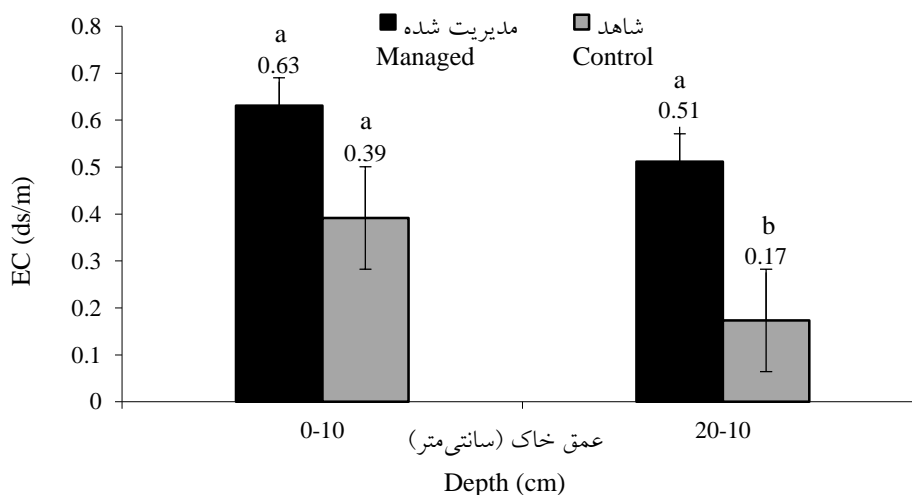
بررسی خصوصیات شیمیایی خاک

نتایج این بررسی نشان داد که واکنش خاک و هدایت الکتریکی در عمق ۰-۱۰ سانتی متر در قطعه شاهد (به ترتیب: ۵/۵۹ و ۶۷/۳۹۱ میکروزیمنس بر متر) به طور معنی داری کمتر از قطعه مدیریت شده (به ترتیب: ۶/۴۶ و ۶۳۰/۷۳ میکروزیمنس بر متر) بود.



شکل ۴- میانگین pH در قطعات ۱۰ و ۱۲ (شاهد و مدیریت شده) در دو عمق ۰-۱۰ و ۱۰-۲۰ سانتی متر (بارها نشان دهنده اشتباه معیار است) در سری یک طرح جنگلداری خلیل محله

Figure 4. Mean of pH in parcel No.10 and 12 (control and managed) at 0-10 and 10-20 cm depths (bars show the standard error) in district 1, KhalilMahale forestry project



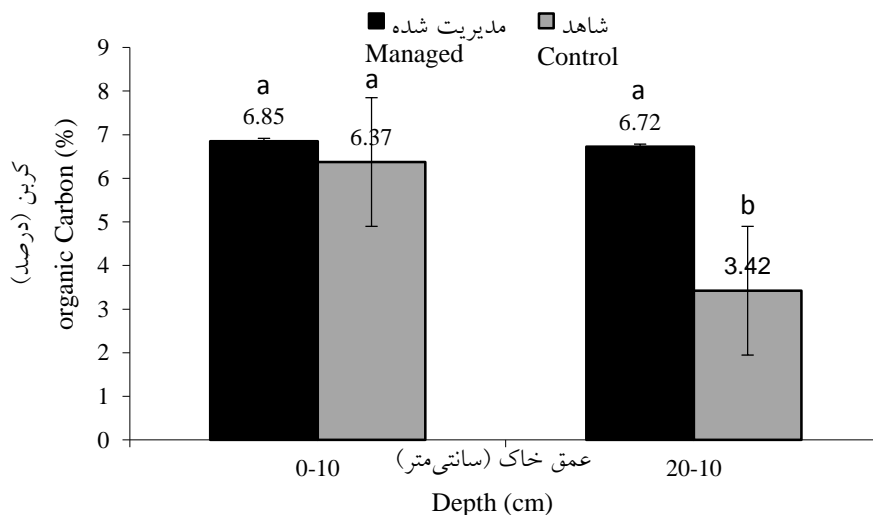
شکل ۵- میانگین EC در قطعات ۱۰ و ۱۲ (شاهد و مدیریت شده) در دو عمق ۰-۱۰ و ۱۰-۲۰ سانتی متر (بارها نشان دهنده اشتباه معیار است) در سری یک طرح جنگلداری خلیل محله

Figure 5. Mean of EC in parcel No.10 and 12 (control and managed) at 0-10 and 10-20 cm depths (bars show the standard error) in district 1, KhalilMahale forestry project.

عمق ۰-۱۰ سانتی متر بین دو قطعه شاهد و مدیریت شده تفاوت معنی دار وجود دارد. مقدار نیتروژن در عمق ۰-۱۰ سانتی متر در قطعه شاهد و مدیریت شده به ترتیب ۰/۳۰ و ۰/۶۳ درصد (شکل ۷) و مقدار نسبت کربن به نیتروژن نیز به ترتیب برابر با ۱۹/۹۳ و ۱۱/۴۳ بود (شکل ۸). مقدار نیتروژن در هر دو قطعه با افزایش عمق کاهش و مقدار نسبت کربن

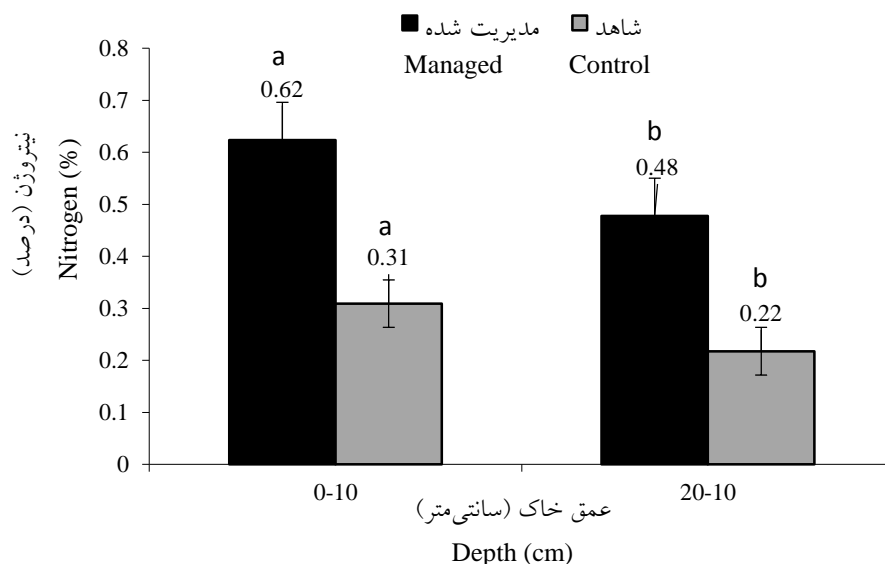
نتایج مقایسه میانگین مشخصه درصد کربن آلی نشان داد که مقدار آن در قطعه شاهد (۶/۳۷) به طور معنی داری کمتر از قطعه مدیریت شده (۶/۸۵) بود. مقدار این مشخصه با افزایش عمق در قطعه شاهد به طور معنی داری کاهش پیدا کرد (شکل ۶). نتایج مقایسه میانگین ها حاکی از آن است که مقدار نیتروژن کل، نسبت کربن به نیتروژن، فسفر و پتاسیم خاک در

به نیتروژن کاهش می‌یابد. مقدار فسفر و پتاسیم قابل جذب در عمق ۰-۱۰ سانتی‌متر در قطعه شاهد به‌طور معنی‌داری کمتر از قطعه مدیریت‌شده بود. مقدار فسفر در قطعات شاهد و مدیریت‌شده به ترتیب برابر با



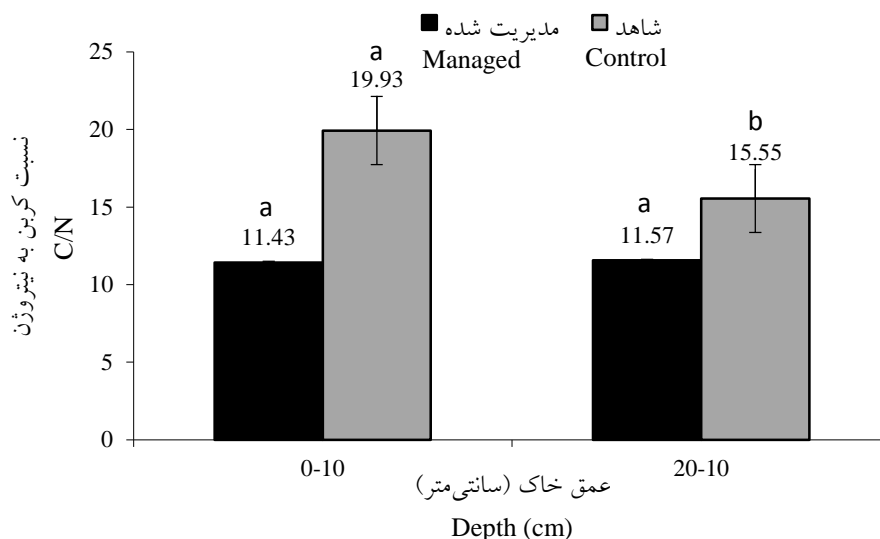
شکل ۶- میانگین کربن در قطعات ۱۰ و ۱۲ (شاهد و مدیریت‌شده) در دو عمق ۰-۱۰ و ۱۰-۲۰ سانتی‌متر (بارها نشان‌دهنده اشتباه معیار است) در سری یک طرح جنگلداری خلیل محله

Figure 6. Mean of C in parcel No.10 and 12 (control and managed) at 0-10 and 10-20 cm depths (bars show the standard error) in district 1, KhalilMahale forestry project



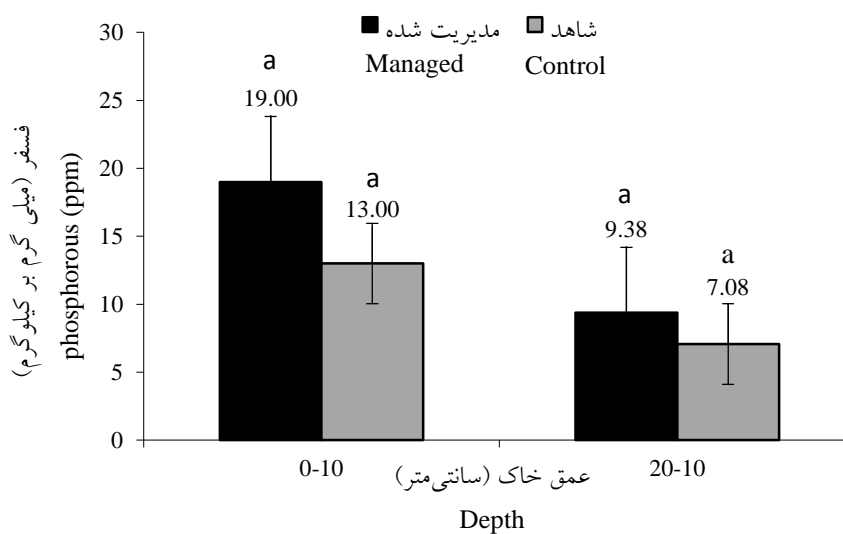
شکل ۷- میانگین نیتروژن در قطعات ۱۰ و ۱۲ (شاهد و مدیریت‌شده) در دو عمق ۰-۱۰ و ۱۰-۲۰ سانتی‌متر (بارها نشان‌دهنده اشتباه معیار است) در سری یک طرح جنگلداری خلیل محله

Figure 7. Mean of N in parcel No.10 and 12 (control and managed) at 0-10 and 10-20 cm depths (bars show the standard error) in district 1, KhalilMahale forestry project



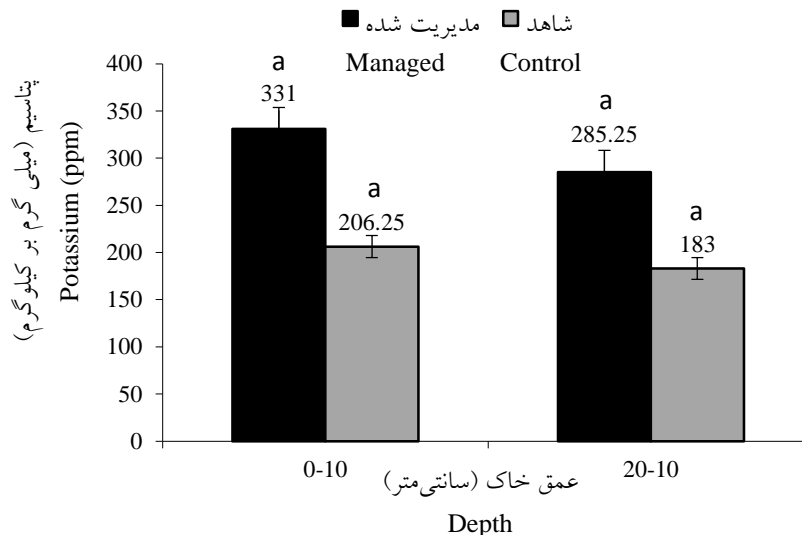
شکل ۸- میانگین نسبت کربن به نیتروژن خاک در قطعات ۱۰ و ۱۲ (شاهد و مدیریت شده) در دو عمق ۰-۱۰ و ۱۰-۲۰ سانتی متر (بارها نشان دهنده اشتباه معیار است) در سری یک طرح جنگلداری خلیل محله

Figure 8. Mean of C/N in parcel No.10 and 12 (control and managed) at 0-10 and 10-20 cm depths (bars show the standard error) in district 1, KhalilMahale forestry project



شکل ۹- متوسط فسفر قابل جذب در قطعات ۱۰ و ۱۲ (شاهد و مدیریت شده) در دو عمق ۰-۱۰ و ۱۰-۲۰ سانتی متر (بارها نشان دهنده اشتباه معیار است) در سری یک طرح جنگلداری خلیل محله

Figure 9. Mean of absorbable P in parcel No.10 and 12 (control and managed) at 0-10 and 10-20 cm depths (bars show the standard error) in district 1, KhalilMahale forestry project



شکل ۱۰- متوسط پتاسیم قابل جذب در قطعات ۱۰ و ۱۲ (شاهد و مدیریت شده) در دو عمق ۰-۱۰ و ۱۰-۲۰ سانتی متر (بارها نشان دهنده اشتباه معیار است) در سری یک طرح جنگلداری خلیل محله

Figure 10. Mean of absorbable K in parcel No.10 and 12 (control and managed) at 0-10 and 10-20 cm depths (bars show the standard error) in district 1, KhalilMahale forestry project

بحث

منجر به حفظ رطوبت خاک می شود. نتایج این تحقیق

مطابق با نتایج Salehi و همکاران (2011) بود.

نتایج وزن مخصوص ظاهری در این بررسی نشان داد که مقدار این مشخصه بین دو قطعه مدیریت شده و شاهد دارای اختلاف معنی داری در سطح ۹۵ درصد نیست، ولی مقدار این مشخصه نشان دهنده کمتر بودن مقدار آن در عمق ۰-۱۰ سانتی-متر نسبت به عمق ۱۰-۲۰ سانتی متر در هر دو قطعه است. نتایج این بررسی مخالف با نتایج Demir و همکاران (2007) بود. علت عدم مشاهده تفاوت معنی دار در چگالی ظاهری بین دو قطعه می تواند ناشی از درجه کوبیدگی کم، وجود لایه لاشبرگ روی خاک، مخلوط شدن لایه سطحی خاک با ماده آلی، ریشه دوانی گیاهان و فعالیت موجودات خاک باشد (Makineci et al., 2007). مقدار مواد آلی در هر دو قطعه، در عمق ۰-۱۰ سانتی متر نسبت به عمق ۱۰-۲۰ سانتی متر بیشتر بود و این دلیل خوبی برای کاهش وزن مخصوص ظاهری در لایه سطحی است، زیرا

در این تحقیق خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک در دو قطعه شاهد و مدیریت شده مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی نشان داد که مقدار رطوبت خاک بین دو قطعه مدیریت شده و شاهد دارای اختلاف معنی دار در سطح ۹۵ درصد است، به طوری که مقدار آن در قطعه مدیریت شده بیشتر از قطعه شاهد است. زیاد بودن میزان این مشخصه در قطعه مدیریت شده می تواند به دلیل دخالت، ایجاد اختلال در خاک و به هم خوردن ساختمان خاک باشد. همچنین، باز شدن تاج پوشش سبب می شود که میزان ورود آب در اثر بارندگی افزایش یابد و به عبارت دیگر، سطح تاج پوشش کمتر، سبب می شود آب بیشتری به سطح خاک برسد (Smerdon et al., 2009). علت دیگر بیشتر بودن مقدار رطوبت در قطعه مدیریت شده نسبت به قطعه شاهد می تواند ناشی از بیشتر بودن مقدار مواد آلی خاک در این قطعه باشد. مواد آلی از طریق کاهش تبخیر از سطح خاک و همچنین قابلیت نگهداری آب

مطابقت دارد. این کاهش هدایت الکتریکی ممکن است در اثر ترشحات ریشه‌ای و تجزیه بقایای درختان و همچنین جذب عناصر توسط ریشه درخت باشد (Mishra and Shamra, 2002). از طرفی مقایسه میانگین هدایت الکتریکی در دو قطعه نشان داد که میزان این مشخصه در قطعه مدیریت‌شده بیشتر از قطعه شاهد است؛ دلیلی که می‌توان برای بالا بودن میزان هدایت الکتریکی در قطعه مدیریت‌شده نسبت به قطعه شاهد و همچنین لایه سطحی نسبت به لایه پائینی خاک عنوان کرد، می‌تواند مقدار مواد آلی باشد. بدین صورت که در قطعه مدیریت‌شده و لایه سطحی خاک شرایط برای فعالیت میکروارگانیسم‌ها فراهم است. به طوری که میکروارگانیسم‌ها با تجزیه مواد آلی منجر به آزادسازی یون‌های معدنی به خاک و در نتیجه افزایش غلظت املاح محلول در خاک و در پی آن بالا رفتن میزان هدایت الکتریکی می‌شوند (Oswald et al., 1999). حال آنکه با افزایش عمق و همچنین بسته بودن تاج پوشش در قطعه شاهد در نتیجه نامساعد شدن شرایط برای فعالیت میکروارگانیسم‌ها (مانند کاهش میزان مواد آلی، درصد رطوبت، حرارت و اکسیژن) از میزان تجزیه مواد آلی و به دنبال آن آزادسازی یون‌های معدنی کاسته شده و در نهایت مقدار هدایت الکتریکی خاک نیز کاهش می‌یابد (Jafari and Sarmadian, 2008). این نتایج همسو با نتایج (Amini (2014) بود.

مشخصه کربن در دو قطعه مدیریت‌شده و شاهد در سطح ۹۵ درصد دارای اختلاف معنی‌دار است. مقایسه میانگین هر دو مشخصه نشان می‌دهد که با افزایش عمق، مقدار این دو مشخصه کاهش می‌یابد. بالا بودن میزان کربن و مواد آلی در لایه‌های سطحی نسبت به لایه‌های پائینی را می‌توان به میزان بقایای آلی که به خاک وارد می‌شود، نسبت داد. بدین ترتیب که با

مواد آلی به چسبیدن ذرات خاک کمک کرده و سبب کاهش وزن مخصوص ظاهری می‌شود. افزایش وزن مخصوص ظاهری همراه با افزایش عمق به دلیل کاهش مواد آلی در عمق پایین‌تر است. به طوری که با افزایش عمق در نتیجه تجزیه هوموس، میانگین وزنی قطر خاکدانه‌ها کاهش یافته و در نتیجه کاهش میزان خلل و خرج، وزن مخصوص ظاهری خاک افزایش می‌یابد (Salehi et al., 2005). (Zanganeh (2013) نیز به عدم وجود اختلاف معنی‌دار جرم مخصوص ظاهری در دو رویشگاه بهره‌برداری شده و بهره‌برداری نشده اشاره کرده است.

نتایج این بررسی نشان داد که مقدار pH بین دو قطعه مدیریت‌شده و شاهد دارای اختلاف معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد است. مقایسه میانگین pH نشان می‌دهد مقدار این مشخصه در قطعه مدیریت‌شده بیشتر از قطعه شاهد است. علت بیشتر بودن pH در قطعه مدیریت‌شده نسبت به قطعه شاهد می‌تواند ناشی از ورود بیشتر نور و فراهم شدن رطوبت بیشتر و به دنبال آن افزایش سرعت تجزیه لاشبرگ و بازگشت سریع‌تر عناصر غذایی به خاک (منجر به افزایش pH می‌شود) باشد (Fisher et al., 2000; Fuqiang et al., 2010). از طرفی مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که مقدار این مشخصه در قطعه شاهد در عمق ۱۰-۰ سانتی‌متر نسبت به عمق ۲۰-۱۰ سانتی‌متر کمتر است. بالاتر بودن مقدار pH در عمق ۲۰-۱۰ سانتی‌متر نسبت به لایه سطحی را می‌توان به تجمع کاتیون‌های بازی محلول در این عمق نسبت داد (Aguilar and Arnold, 1985). نتایج این تحقیق با (Zanganeh (2013) مطابقت دارد.

مقایسه میانگین هدایت الکتریکی نشان می‌دهد که با افزایش عمق میزان این مشخصه کاهش می‌یابد که با نتایج تحقیق (Kianmehr and Zanganeh (2013) مطابقت دارد.

نسبت کربن به نیتروژن یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای بررسی حاصلخیزی خاک جنگلی است. علت بالاتر بودن میزان نسبت کربن به نیتروژن در قطعه شاهد در هر دو عمق نسبت به قطعه مدیریت‌شده می‌تواند ناشی از اختلاف زیاد محتوای نیتروژن خاک باشد که در قطعه شاهد به‌طور معنی‌داری در هر دو عمق ۱۰-۲۰ و ۲۰-۱۰ سانتی‌متر، کمتر از مقدار آن در قطعه مدیریت‌شده است. این نتایج مطابق با نتایج (Amini, 2014) بود.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میزان فسفر قابل جذب در دو توده مدیریت‌شده و شاهد در سطح ۹۵ درصد دارای اختلاف معنی‌داری دارد. از طرفی نتایج مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که مشخصه فسفر قابل جذب در دو قطعه با افزایش عمق روند مشابهی را نشان می‌دهد، به‌طوری‌که این مشخصه با افزایش عمق، کاهش می‌یابد و از طرفی مقدار آن در قطعه مدیریت‌شده بیشتر از قطعه شاهد است. در خاک‌های جنگلی بیشترین فسفر قابل جذب در افق‌های سطحی یافت می‌شود. از دلایل دیگر زیاده‌تر بودن فسفر در لایه‌های بالایی، تحرک کم فسفر است (Zarinkafsh, 2001). این نتایج با نتایج Zanganeh (2013)، (Kianmehr, 2013) و (Amini, 2014) نیز مطابقت دارد.

در بررسی حاضر نتایج نشان می‌دهد که پتاسیم قابل جذب در بین دو قطعه مدیریت‌شده و شاهد در سطح ۹۵ درصد دارای اختلاف معنی‌داری است. از طرفی مقایسه میانگین نشان می‌دهد که مشخصه پتاسیم قابل جذب در دو قطعه با افزایش عمق روند مشابهی را نشان می‌دهد به‌طوری‌که این مشخصه با افزایش عمق، کاهش می‌یابد و از طرفی مقدار آن در قطعه مدیریت‌شده بیشتر از قطعه شاهد است. علت اصلی کاهش مقدار پتاسیم با افزایش عمق را می‌توان

افزایش عمق از میزان بیوماس گیاهی (هوموس) کاسته شده و در پی آن میزان مواد آلی نیز کاهش می‌یابد (Malo et al., 2005). میزان کربن آلی نیز به ماده آلی موجود در خاک وابسته است (Malo et al., 2005). از طرفی مقایسه میانگین کربن و مواد آلی خاک در دو قطعه نشان داد که میزان این دو مشخصه در قطعه مدیریت‌شده بیشتر از قطعه شاهد است. نتایج پژوهش مطابق با نتایج Kowalski و همکاران (2004) بود؛ دلیلی که می‌توان برای بالا بودن میزان کربن و مواد آلی در قطعه مدیریت‌شده نسبت به قطعه شاهد بیان کرد سرعت تجزیه بیشتر لاشبرگ در قطعه مدیریت‌شده است. به‌علت باز شدن تاج پوشش بر اثر قطع درختان می‌باشد. Neiryck و همکاران (2000) نیز در بررسی خود در رابطه با تأثیر شش گونه درختی نمودار، ون، افرا، بلوط قرمز و راش بر خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک در یک اکوسیستم جنگلی در جنوب بروکسل، کاهش میزان کربن آلی را با افزایش عمق مشاهده کردند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میزان نیتروژن در دو توده مدیریت‌شده و شاهد در هر دو عمق در سطح ۹۵ درصد دارای اختلاف معنی‌داری است و این مشخصه در قطعه مدیریت‌شده در هر دو عمق، بیشتر از قطعه شاهد است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که شاخص نیتروژن خاک در قطعه شاهد و مدیریت‌شده با افزایش عمق کاهش می‌یابد. دلیل بیشتر بودن مقدار نیتروژن را می‌توان بیشتر بودن مواد آلی خاک در قطعه مدیریت‌شده و کند بودن سرعت تجزیه لاشبرگ در قطعه شاهد و بیشتر بودن ازت در برگ گونه ممرز نسبت به گونه راش نسبت داد (Marvi Mohadjer, 2008). همچنین علت کاهش مقدار نیتروژن با افزایش عمق می‌تواند ابتدا ناشی از کمتر بودن مقدار مواد آلی در عمق ۱۰-۲۰ و ثانیاً ناشی از جذب آن توسط ریشه درختان باشد.

Reference

- Agular, R. & R.W. Arnold, 1985. Soil landscape relationships of a climax forest in Allegheni high plateau, Pennsylvania, *Soil Science Society of America, Soil Science Society of America*, 49(3): 695-701.
- Augusto, L., R. Jacques, D. Binkely & A. Roth, 2002. Impacts of several common tree species of European temperate forest on soil fertility, *Annals Forest Science*, 59(3):233-253.
- Amini, Sh., 2014. Impact of gap size on under story plant biodiversity and soil properties in a managed forest. MSc thesis. Sari Agriculture and Natural Resources University, 104p. (In Persian)
- Anissi, I., H. Kia-Daliri, R. Akhavan & S. Babaei Kafaki, 2010. Impact of management on quantitative and qualitative characteristics of forest in comparison to unmanaged forest (Case study: Golband region), *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 17 (4): 615-626.
- Anonymus, 2008, Forestry plan of Darabkola Khalil-Mahale, Mazahdaran, Behshahr, *Forest Range and Watershad Management Organization*, 300p.
- Crowley, W., S.S. Harrison, M. Coroi & V.M. Sacre, 2003. An ecological assessment of the plant communities at Port Ban nature reserve in south-western Ireland, *Biology and Environmental: Proceeding of Royal Irish Academy*, 1038 (2): 69 - 82.
- Demir, M., E. Makineci & E. Yilmaz, 2007. Investigation of timber harvesting impacts on herbaceous cover, forest floor and surface soil properties on skid road in an oak (*Quercus petrea* L.) stand, *Building and Environment*, 42(3): 1194- 1199.
- Fisher, R.F. & D. Binkley, 2000. Ecology and management of forest soils. John Wiley and Sons publication, 300p.
- Fuqiang, S., F. Xiaoxu & S. Ruiqi, 2010. Review of mixed forest litter decomposition researches, *Acta Ecologica Sinica*, 30(4): 221-225.
- Ghazanshahi, J., 2006. Soil and plant analysis, Ayizh publication, Tehran, 311 p. (In Persian)
- Jafari, M. & F. Sarmadian, 2008. Fundamentals of Soil Sciences and Soil Classification, Second Edition, Tehran: Publications of University of Tehran. (In Persian)
- در جذب این یون توسط ریشه درختان و یا انتقال آن از طریق آبشویی به اعماق زیرین بیان کرد. نتایج حاصل از این تحقیق با نتایج (2013) Zanganeh و (2014) Amini مطابقت دارد. علت بیشتر بودن مقدار پتاسیم در قطعه مدیریت شده نسبت به شاهد می تواند ناشی از سرعت بیشتر بازگشت عناصر به خاک باشد. به طور کلی نتایج این بررسی نشان داد که مدیریت جنگل سبب ایجاد تغییر در خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک می شود. بر اساس نتایج این تحقیق، مدیریت جنگل منجر به افزایش رطوبت خاک، واکنش خاک، هدایت الکتریکی، ماده آلی، کربن آلی، نیتروژن، فسفر و پتاسیم می شود. با توجه به اینکه اطلاع از اثرهای مدیریت جنگل بر خصوصیات فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیک خاک جنگل، می تواند راهکار مناسبی در اختیار مدیران جنگل، برای مدیریت بهینه جنگل قرار دهد، از این رو انجام مطالعات گسترده تر به منظور کسب اطلاعات جامع در این زمینه لازم و ضروری است. در این راستا بررسی خصوصیات زیستی خاک مانند معدنی شدن نیتروژن به دلیل پویا بودن و همچنین عکس العمل سریع نسبت به تغییرات در محیط، یکی از بهترین شاخص ها برای بررسی اثر مدیریت است. بنابراین لازم است در سایر پژوهش ها به بررسی اثرهای مدیریت بر خصوصیات زیستی خاک جنگل مانند معدنی شدن نیتروژن و تنفس خاک نیز پرداخته شود.
- Kianmehr, A., 2013. Investigation of Stand Growth Characteristics, Biodiversity and Soil Properties in Natural Pure and Mixed Beech and Hornbeam Forests in Neka – zalemrod Forestry plan, M.Sc. Thesis, Natural Resources group, Sari Agricultural Sciences and Natural Resources University, Sari, Iran, 113p. (In Persian)
- Kooch, Y., 2007. Determination and differentiation of plant ecological units and their relation with some of soil characteri-

- stics in lowland forests of Chalous Khanikan. M. Sc. Thesis. Natural Resources group. Sari Agricultural Sciences and Natural Resources University, Sari. Iran. 145p. (In Persian)
- Kooch, Y., H. Jalilvand, M.A. Bahmaniar & M.R. Pormajidian, 2008. Determination of forest types on basis of Importance Value Index (IVI) in aspects of lowland forests in Chalous Khanikan, *Environmental Journal*, 46: 33 – 38. (In Persian)
 - Kowalski, A.S., D. Loustau, P. Berbigier, G. Manca, V. Tedeschi, M. Borghetti, R. Valentini, P. Kolari, F. Berninger, U. Rannik, P. Hari, M. Rayment, M. Mencuccini, J. Moncrieff & J. Grace, 2004. Paired comparisons of carbon exchange between undisturbed and regenerating stands in four managed forests in Europe, *Global Change Biology*, 10(10): 1707-1723.
 - Makineci, E., M. Demir, A. Comez & E. Yilmaz, 2007. Chemical Characteristics of the surface soil, herbaceous cover and organic layer of a compacted skid road in a fir (*Abies borenmulleriana* Mattf.) forest, *Transportation research part D: transport and environment*, 12(7):453-459 pp.
 - Malo, D.D., T.E. Schumacher & J.J. Doolittle, 2005. Long term cultivation impacts on selected soil properties in the northern Great Plains, *Soil and Tillage Research*, 81(2): 277-291.
 - Marvi Mohadjer, M.R., 2008. Silviculture. University of Tehran Press, 387p. (In Persian).
 - Mishra, A. & D. Shamra, 2002. Leguminous tree for the restoration of degraded sodic wasteland in eastern Uttar Pradesh, *Land Degraded and Development*, 14(2): 245-261.
 - Neiryck, J., S. Mitcheva, G. Sioen & N. Lust, 2000. Impact of *Tilia phtyphylus* scop., *Fraxinus excelsior*, *Acer pseudoplatanus*, *Quercus robur* L. and *Fagus silvatica* L. on earthworm biomass and physico chemical properties of loamy topsoil, *Forest Ecology and Management*, 133: 275-286.
 - Opdam, P., R. Foppen & C. Voc, 2002. Bridging the gap between ecology, *Landscape ecology*, 16(8): 767-779.
 - Oswald, B.P., D. Davenport, & L.F. Neuenschwander, 1998. Effects of slash pile burning on the physical and chemical soil properties of Vassar soils, *Journal of Sustainable Forestry*, 8(1), 75-86.
 - Porbabaei, H., 1998. A Study of Trees biodiversity in Gilan province. PhD Thesis. Natural Resources group. University of Tarbiat Modares. Nour, Iran, 264p. (In Persian)
 - Salehi, A., M. Zarinkafsh, Gh. Zahedi Amiri & M.R. Marvi Mohajer, 2005. A Study of Soil Physical and Chemical Properties in Relation to Tree Ecological Groups in Nam-Khaneh District of Kheirood- Kenar Forest, *Iranian Journal Natural Resurse*, 58(3): 567-578. (In Persian)
 - Salehi, A., A. Mohammadi & A. Safari, 2011. Investigation and comparison of physical and chemical soil properties and quantitative characteristics of trees in less-damaged and damaged area of Zagross forests (Case study: Poldokhtar, Lorestan province), *Iranian Journal of Forest*, 3(1): 81-89. (In Persian).
 - Schoenholtz, S.H., H. Van Miegroet & J.A. Burger, 2000. A review of chemical and physical properties as indicators of forest soil quality: challenges and properties, *Forest Ecology and Management*, 138(1): 335 - 356.
 - Smerdon, B.D., T.E. Redding & J. Beckers, 2009. An overview of the effects of forest management on groundwater hydrology. *BC, Journal of Ecosystems and Management*, 10(1): 22-44.
 - Zangane, Gh., 2013. Investigation of Some Ecological and Silvicultural Properties in Non-harvesting and Harvesting (shelter Wood System) Stand in Serie 2 Rezaeian Forest Plan Aliabad Katul). M.Sc. Thesis. Natural Resources group. Sari Agricultural Sciences and Natural Resources University. Sari. Iran. 154p. (In Persian)
 - Zarinkafsh, M., 2001. Forest Soil. Publications of the Research Institute of Forests and Rangelands, Tehran, 338p. (In Persian)

Effects of forest management on soil physical and chemical properties of Khalil-Mahale forest

Sh. Kazemi^{1*}, M. Hojjati², A. Fallah² and M. Tafazoli³

1. MSc. Student, Faculty of Natural Resources, Sari Agricultural Sciences and Natural Resources University, I.R. Iran

2- Associate Professor, Faculty of Natural Resources, Sari Agricultural Sciences and Natural Resources University, I.R. Iran.

3- PhD. Student, Faculty of Natural Resources, Sari Agricultural Sciences and Natural Resources University, I.R. Iran.

Received: 10.03.2015

Accepted: 01.10.2015

Abstract

This study aimed to evaluate the effects of forest management on soil physicochemical properties in compartments No. 10 (control) and 12 (managed) in Forest Series No. 1 in Khalil-Mahale Forest Management Planning, Behshahr. Twenty circular sample plots with an area of 1000 m² were systematic-randomly sampled in a 100×75 m grid in both compartments. In each plot, five 1 m² micro-plots were established: one in the center and four others in north-south, east-west directions at each corner. Soil samples were collected from 0-10 and 10-20 cm depths in the micro-plots. In each plot, the samples taken from the same depth range were pooled. According to our results, the values of moisture content, pH, EC, organic matter, nitrogen, phosphorus and potassium were significantly ($\alpha=5\%$) different in the two compartments. This study highlights the positive influence of single selection system on the physicochemical properties of forest soils.

Keywords: Soil properties, Single selection method, Control parcel, Managed parcel.

* Corresponding author:

Email: shohreh.kazemi86@gmail.com

